شایعه پردازی در متون دینی

پدید آورنده : هادی حسین خانی ، صفحه 23

اشاره:

شخص یا رسانه شایعه پرداز که خبر و موضوع تأیید نشده ای را بدون در نظر گرفتن درستی و نادرستی آن اشاعه می دهد، گرچه در جعل نسبت به افراد ممکن است از نظر روانی به دنبال توجیه و تسکین هیجانات عاطفی مزاحم عارض بر انسان باشد، ولی آن هنگام که در جعل اتهامات، به شکل مستقیم یا غیر مستقیم، رهبری یک حکومت یا طرز فکری را مورد هدف قرار دهد، به طور مشخص کینه توزی خود را نسبت به آن نظام حکومتی و فکری ابراز داشته و در پی آن است که با پخش شایعات بی اساس و بدنام نمودن الگوی آن نظام در بین مردم، مقدمات نابودی آن را فراهم آورد.

همچنان که منافقان در جریان «افک» و ایراد اتهام اخلاقی به یکی از همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) به دنبال آن بودند که ساحت مقدس پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را لکه دار کنند و با این شیوه محبوبیت بسیار زیاد آن حضرت را در قلبهای مسلمانان کاهش داده و مقدمات شکست اسلام و حکومت اسلامی را فراهم نمایند.

شایعه سیاسی، محصول تشکل سیاسی

به طور طبیعی، آن گاه که لبه تیز اتهامات متوجه یک نظام حکومتی و ریاست آن باشد، شایعه پردازی به صورت فردی کم تر به نتیجه می رسد و در چنین مواردی معمولاً تشکلهای ناصالح سیاسی هستند که با شعار «هدف، وسیله را توجیه می کند، با یک کار کاملاً گروهی و حساب شده، به نشر شایعات برای آلوده ساختن نظام حکومتی می پردازند.

قرآن کریم، ماجرای «افک» و توطئه علیه پیامبر (صلی الله علیه و آله) را نیز کاری جمعی و متشکل توصیف کرده است:

اِنَّ الَّذینَ جاوُوا بِاْلافْکِ عُصْبَةٌ مِنْکُمْ (نور: 11)

«کسانی که تهمت ناپاکی را در میان آوردند، جماعتی از شما هستند».

راغب می گوید: کلمه «عصبه» به معنی جماعت دست به دست هم داده و متعصب است. بعضی دیگر گفته اند که «عصبه» برای عدد ده تا چهل استفاده می شود.

از این جا معلوم می شود که شایعه سازان، گروهی اندک بودند که توطئه کردند تا با نشر این دروغ، قداست و نزاهت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را زیر سؤال برده او را در میان مردم رسوا سازند.

نکته مهمی که قرآن کریم بر آن تأکید دارد، آن است که شایعه پردازان، افرادی برخاسته از متن جامعه هستند: ان الذین جاؤوا بالافک عصبةٌ منکم کلمه «منکم»، بیانگر این مطلب است که حتی اگر اصل پردازش شایعه توسط نیروهای بیگانه انجام گرفته باشد، بدون دخالت و همیاری گروهی از افراد خودی، در راستای پخش شایعه و گسترش آن، کم تر به توفیق دست خواهند یافت. بنابراین، حتی شایعه سازان بیگانه برای نیل به هدف، به گروهی متشکل و متعصّب در داخل نظام حکومتی نیازمندند که آگاهانه شایعات ساخته شده را در جامعه گسترش دهند.

مردم ناآگاه؛ عامل نشر شایعه

مهم ترین عاملی که به نشر شایعه در جامعه کمک می کند، شرکت ناآگاهانه مردم در پخش اکاذیب علیه خودشان است. دشمن زیرک، خود آنها را ابزار علیه خودشان قرار می دهد؛ یک داستان جعل می کند، بعد این داستان را به زبانشان می اندازد تا خود قصه ای را که دشمن به زیان آنها جعل کرده، بازگو کنند و در حقیقت، خواسته دشمن آن است که این مطلب پخش شود. قرآن کریم وظیفه مردم را دفن این شایعات با استفاده از حربه سکوت دانسته و از زنان و مردان مؤمن خواسته که داستانهای جعلی را حتی برای یک نفر هم بیان نکنند. قرآن، هم چنین جریان «افک» را با همه تلخی اش، دربردارنده نتیجه خیر برای جامع اسلامی می داند:

(ان الذین جاؤوا بالافک عصبةٌ منکم لا تحسبوه شرا لکم بل هو خیر لکم...).

یکی از دلایل «خیر» خواندن این ماجرای تلخ، مشخص شدن صفوف مؤمنان از منافقان بود. فایده دوم این داستان این است که اشتباه مسلمانان در پخش ساده لوحانه و ناآگاهانه شایعه مشخص شد. اشتباه گروه زیاد مردم مسلمان آن بود که حرفی را که یک جمعیت اندک جعل کردند، ساده لوحانه از آنها شنیدند و بعد که به هم رسیدند، گفتند: چنین حرفی شنیدم. آن یکی گفت: من هم شنیدم. دیگری گفت: نمی دانم، خدا عالم است. باز این برای او نقل کرد و نتیجه این شد که جامعه مسلمان، ناآگاهانه بلندگوی یک جمعیت چند نفری شد.

داستان «افک» که به وجود آمد، بیدار باشی عجیب بود. مردم با خود گفتند: از یک طرف آنها را شناختیم و از طرف دیگر خودمان را شناختیم. ما چرا چنین اشتباه بزرگی مرتکب شدیم، چرا ابزار دست اینها شدیم؟ و برای آن که این درس برای همیشه ماندگار باشد و مردم در همه عصرها از آن درس بگیرند، خداوند آن را در قرآن آورد و از آن به «خیر» تعبیر نمود.

وظیفه زنان در برخورد با شایعه

با توجه به آسیبهای سخت و جبران ناپذیری که از گسترش شایعات در جهت تضعیف حکومت اسلامی و رهبری آن به جامعه اسلامی وارد می شود، قرآن کریم، زنان و مردان مؤمن را به آگاهی و هوشیاری در شنیدن شایعات فرا خوانده، آنان را موظف ساخته است که:

اول: هم چنان که اگر کسی شایعه ای در مورد خود شنونده به او بگوید، مخاطب هرگز آن را نمی پذیرد و باور نمی کند، شایعاتی را نیز که درباره دیگر مؤمنان می شنود نباید قبول کند؛ زیرا مؤمنان، همه یک پیکر واحد را تشکیل می دهند، و همان طور که هیچ فرد مؤمنی به خود بدگمان نیست، نباید نسبت به مؤمنان دیگر گمان بد ببرد:

(لَوْ لا إذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤمِناتُ بِأنْفُسِهِمْ خَیْرا). (نور: 12)

«چرا چون آن (بهتان) را شنیدید، مردان و زنان مؤمن در حق خویش گمان نیک نبردند؟...»

دوم: همان گونه که هر فردی شایعات بی اساسی را که به او نسبت داده اند، بی مهابا تکذیب می کند، لازم است اتهاماتی را که به برادران و خواهران ایمانی او زده می شود، بی درنگ تهمت بنامد:

«چرا چون آن را شنیدید... مردان و زنان مؤمن آن را تهمت آشکار نخواندند؟» (نور: 16)

سوم: شایعه پردازان لازم است برای اثبات مدّعای خود، دلیل اقامه کنند. در غیر این صورت، مؤمنان باید بدانند که آنان در قانون الهی دروغگو به شمار می آیند.

(لَوْ لا جاؤُ عَلَیْهِ بِأرْبَعَةِ شُهَداءَ فَإذْ لَمْ یَأتُوا بِالشُّهَداءِ فَأُولئِکَ عِنْدَ اللّهِ هُمُ الْکاذِبُونَ). (نور: 13).

«چرا بر آن، چهار گواه نیاوردند، و چون گواهان را نیاوردند، اینان نزد خداوند دروغگو هستند».

البته از آن جا که اتهام در مورد «افک» اتهام ناموسی بود، لازم بود برای اثبات آن، چهار شاهد اقامه کنند، ولی از آیه استفاده می شود که لازم است از شایعه پردازانی که قصد تخریب فضای سالم جامعه اسلامی را دارند، درخواست شاهد شود و گرچه شاهد با اختلاف شرایط، صورتهای مختلفی پیدا می کند، اما ضروری است که شایعه سازان دلیل قاطعی بر مدعای خود بیاورند.

چهارم: قرآن کریم به کسانی که شنونده شایعه هستند تذکر می دهد هم چنان که شما اتهامات واهی و بی اساس را که به خودتان نسبت داده اند، هرگز برای دیگری نقل نمی کنید. لازم است که از پخش کردن تهمتی که به برادر یا خواهر مؤمن شما زده شده و به آن علم ندارید، به طور جدی پرهیز نمایید، زیرا آن گناهی بسیار بزرگ است:

(إذْ تَلَقَّوْنَهُ بِألْسِنَتِکُمْ وَ تَقُولُونَ بِأفْواهِکُمْ ما لَیْسَ لَکُمْ بِهِ عِلْمٌ وَ تَحْسَبُونَهُ هَیِّنا وَ هُوَ عِنْدَ اللّهِ عَظیمٌ). (نور: 15).

«آن گاه که از زبان همدیگر فرا می گرفتیدش و دهان به دهان چیزی را که به آن علم نداشتید، می گفتید و آن را آسان می پنداشتید، حال آن که آن نزد خداوند سترگ است».

پنجم: مؤمنان نه تنها باید از پذیرش و نقل شایعه پرهیز نمایند، بلکه لازم است با کسانی که به قصد آلوده ساختن و در نهایت برانداختن نظام اسلامی و رهبری آن تلاش می کنند، به شدت برخورد کنند و ضمن بازداشتن ایشان از مطرح کردن چنین موضوعاتی، سخنان بی دلیل ایشان را «بهتانی عظیم» بنامند:

(وَ لَوْ لا إذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ ما یَکُونُ لَنا أنْ نَتَکَلَّمَ بِهذا سُبْحانَکَ هذا بُهْتانٌ عَظیمٌ). (نور: 16).

«و چرا چون آن را شنیدید، نگفتید که ما را نرسد که در این باره سخن گوییم، پاکا که تویی، این بهتانی بزرگ است».

دشمن آشکار

در آخرین مرحله از مراتب مخالفت با رهبران الهی، به دشمنی صریح و آشکار برخی از زنان با آنان می رسیم که در این مرحله نیز یا با زبان، دشمنی خود را با اولیای خدا ابراز نموده و یا فراتر از آن با عمل، سعی در اذیت و آزار آنان داشته اند.

مصداق دشمنی زبانی را در همسر کافر نوح می یابیم که با مجنون خواندن این پیامبر بزرگ الهی آشکارا به رویارویی با او پرداخته و به جرم خیانت به وی به عذاب الهی محکوم گردید.

ام جمیل، همسر ابولهب نیز به عنوان مجسمه و الگوی دشمنی عملی با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) معرفی شده است:

(وَ امْرَأتُهُ حَمّالَةَ الْحَطَبِ فی جیدِها حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ) (مسد: 4 و 5).

«و زنش هیزم کش است و ریسمانی از لیف خرمای تافته بر گردن دارد».

ظاهرا مراد از این دو آیه این است که همسر ابولهب به زودی در آتش دوزخ در روز قیامت به همان هیئتی در خواهد آمد که در دنیا به خود گرفته بود. در دنیا شاخه های خار بن و بته هایی دیگر را با طناب می پیچید و حمل می کرد و شبانه آنها را بر سر راه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می ریخت تا به این وسیله آن حضرت را آزار دهد؛ در آتش هم با همین حال یعنی طناب به گردن و هیزم به پشت عذاب می شود.

پی نوشتها:

1. فرهنگ علوم سیاسی، ص 299.

2. المفردات فی غریب القرآن، ص 336.

3. شهاب الدین محمود الالوسی البغدادی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الحیاء التراث العربی، 1405 ق، ج 18، ص 114.

4. مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، جلد 4، تفسیر سوره نور، قم، صدرا 1368 - 1369، ص 31.

5. تهمت را از آن رو «بهتان» نامیده اند که شخص مورد اتهام از شنیدنش «مبهوت» می گردد.

6. به نظر می رسد که جمله «و قالوا هذا افک مبین» در آیه 12 جمله ای است که شنونده شایعه با خود می گوید و آن را در نزد خود تهمت می پندارد، در حالی که جمله «هذا بهتان عظیم» در آیه مورد بحث، نشانگر واکنش او در برابر شایعه ساز است که لازم است به محض سخن گفتن از شایعه، او را از ادامه دادن آن نهی و مطالب او را بهتان بزرگ بنامد.

7. تفسیر کشف الاسرار، ج 10، ص 161.

8. سوره تحریم (66) آیه 10.

9. تفسیر المیزان، ج 20، ص 666.